
حقوق کودک و تکالیف والدین در تربیت اعتقادی کودک: ایمان به خدا و معادباوری

لیلی محمدی زاده^۱

چکیده

تربیت اعتقادی به معنای آموزش اعتقادات و شکل‌دهی نظام باورهای متربی و ایجاد بینش و گرایش و التزام در عرصه باورها در کنار عرصه تربیت عبادی از اهمیت زیادی برخوردار است. نقش والدین در همه ساحات و ابعاد تربیت از جمله، تربیت اعتقادی مهم و بی‌بدیل است. آن‌ها اولین افرادی هستند که در شکل‌دهی باورهای دینی، نقش مهمی در زندگی فرزندان دارند. در این نوشتار سعی شده است از منظر فقهی، با گردآوری کتابخانه‌ای و روش توصیفی و تحلیلی و با ترسیم اهداف و شاخصه‌های تربیت اعتقادی کودک، به بازخوانی وظایف والدین در قبال تربیت اعتقادی فرزندان پرداخته شود. پژوهش حاضر بر آن است که به شیوه‌های مختلف از جمله تأکید بر بدهت وجود خداوند، ایجاد انس و احساس محبت به خداوند، تفهیم غیرمستقیم معادپروری به کودک... پرداخته شود تا از همان کودکی ریشه ایمان به خدا و معادپروری در دل کودک مانند بذری پاشیده شود تا او را برای مواجه شدن با سؤالاتی که در ذهنش جرقه می‌زند آماده کند.

کلیدواژه‌ها: حقوق، والدین، ایمان، معاد، فقه تربیتی، تربیت اعتقادی.

مقدمه

در تمام مکتب‌های فکری و فلسفی جهان، تربیت مهم‌ترین نقش را در قوام و بقای جوامع داشته است. در آیین اسلام نیز تربیت صحیح، به‌منزله اولین مرحله کمال و فضیلت و مقدمه تعلیم و شناخت‌های علمی انسان معرفی شده است. (جمعه/۲)

پیامبر بزرگ اسلام؟ صل؟ هدف اصلی رسالت خود را اتمام فضایل و مکارم اخلاقی دانسته‌اند. همچنین گفتارها و وصایای پرارچی که از پیش‌وایان مکتب در

۱. دانش‌پژوه مقطع دکتری جامعه المصطفی العالمیه، رشته فقه و معارف اسلام گرایش کلام، مدرسه عالی فقه و قرآن خواهران، ایران.

اهمیت تعلیم و تربیت برجای مانده، دلیل روشن بر اهمیت آموزش و پرورش در اسلام و نیز برهانی قاطع بر مسئولیت افراد جامعه اسلامی، بالاخص متولیان اصلی این مسئله به عنوان یک نهاد غیررسمی یعنی والدین است.

همه خانواده‌ها در این امر کلی که فرزندشان باید به درستی تربیت شود، اتفاق نظر دارند و همگی در حد امکانات خود برای وصول به این مهم تلاش می‌کنند. تربیت به خودی خود، مسئله‌ای پیچیده است که پایه‌ریزی درست آن به‌ویژه با توجه به پیشرفت علوم و ابزارهای ارتباط جمعی کنونی مستلزم آگاهی و هوشیاری فراوانی است. کودکان امروز به واسطه قرار گرفتن در این جو گسترده آموزشی که متأسفانه نقش تربیتی والدین را تحت الشعاع قرار داده است، به مراتب از نظر جهان بینی و بینش اجتماعی از والدین خود در سنین مشابه، آگاه‌ترند و همین، مسئولیت والدین را در امر خطیر تربیت فرزندان سنگین‌تر می‌کند.

در قلمرو تربیت و تعلیم صحیح، نخستین وظیفه پدر و مادر شناخت استعدادهای کودک و هدایت آن‌ها بر اساس ضوابط و اصولی است که نهایتاً او را به اهداف عالیه زندگی مقرون و به سعادت راهنما باشد. والدین باید در روند تربیت فرزندشان و همگام با معتقد کردن او به مبانی اخلاقی و علوم روز، در ایجاد و تقویت «احساس مذهبی» در او تلاش کنند و پشتوانه‌ای محکم برای نیل به تربیت راستین اسلامی برایش فراهم آورند. (رزمجو، ۱۳۵۳، ص ۳۹ _ ۴۳)

این مسئله در قرآن نیز تبیین شده است. همچنین بیش از هزار روایت در مورد تربیت کودک از رسول خدا؟ صل؟ و ائمه؟ عهم؟ در این مورد آمده است. (مظاهری، ۱۳۶۴، ص ۱۵) این نوشتار از آنجاکه به قصد بهبود وضعیت تعلیم مفاهیم اعتقادی در خانواده انجام می‌شود، توسعه‌ای است. روش نگارش این پژوهش، توصیفی _ تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

مسئله تعلیم و تربیت امری است که همواره مورد توجه دانشمندان و بزرگان در هر عصر و مکتبی بوده است و هر یک نظرات و برنامه‌های مدونی برای این مسئله ارائه نموده‌اند. در زمینه رشد و تکامل دینی تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام گرفته و کتاب‌های زیادی به چاپ رسیده است.

تعداد زیادی از این کتاب‌ها به‌طور کلی موضوع «تربیت» پرداخته‌اند و البته در بخشی از آن اشاره‌ای هم به مبحث تربیت اعتقادی داشته‌اند که از جمله آن‌ها کتاب **خانواده و تربیت کودک**، اثر علی قائمی است. این اثر درباره وظایف خانواده و نقش سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی آن در تربیت کودکان است که با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایت‌ها و سیره معصومان؟ عهم؟، گردآوری شده است؛ در عین حال به تکالیف والدین در حوزه ایمان به خدا و معادباوری کودک پرداخته است.

جلد اول **سیره تربیتی پیامبر اکرم؟ صل؟ و اهل بیت؟ عهم؟**، تألیف سید علی

حسینی زاده به موضوع تربیت فرزند پرداخته است. اثر مزبور پس از بیان کلیات و مبانی در چهار فصل به تربیت، زمینه سازی برای تربیت فرزند، توجیه نیازهای اساسی، راهکارهای تربیتی و آموزش فرزند را طی مباحث مبسوطی مطرح کرده و در تبیین این فصول از آیات خصوصاً روایات در حد قابل توجهی استفاده نموده است. البته این استنادات بیشتر با موضوع کلی «تربیت» متناسب است تا خصوص تربیت اعتقادی فرزند.

کتابهای فراوان دیگری در زمینه تربیت وجود دارد که در موضوع تربیت اعتقادی به صورت خاص ایمان به خدا و معادباوری جامع و کامل نیستند. مقالات متعددی نیز در این زمینه وجود دارد که به صورت خاص به بحث مورد نظر ما نپرداخته است.

«تأملی در هدف تربیت اعتقادی»، اثر محمد داودی؛

این مقاله با هدف بررسی تربیت اعتقادی بر اساس آموزه های اسلامی، ابتدا مفهوم عقیده و ایمان و رابطه آن دو را بررسی کرده و سپس چیستی ایمان و مؤلفه های آن بر اساس آموزه های اسلامی و نظریاتی که دانشمندان مسلمان در تفسیر و تبیین آن آموزه ها بیان کردند، تحلیل کرده است و مراتب و درجه های آن مشخص گردیده و در پایان، نتایج آن در تبیین هدف تربیت اعتقادی استنباط و تشریح شده است، اما در زمینه حقوق کودک بحث نکرده است.

«رفق و مدارا در تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه اهل بیت؟»، نوشته محمد لطیف مطهری.

این پژوهش در قالب روش توصیفی، تحلیلی و اجتهادی با محوریت منابع روایی اثبات می کند که والدین در تربیت اعتقادی فرزندان باید رفق و مدارا را رعایت بکند رفق و مدارا در تربیت، بذاته منافاتی با مراتبی از قاطعیت در بعضی مراحل تربیت ندارد، بلکه اصل اولی این است که با وجود ایستادگی و پایبندی به قوانین، نرمش و انعطاف جریان داشته باشد.

این پژوهش نیز در زمینه ایمان به خدا و معادباوری کودک به عنوان یک حق تربیتی صحبت نکرده است.

«روش های ایجاد و تعمیق باور به وجود خداوند در تربیت اعتقادی بر اساس سیره امام رضا؟»،

یکی از منابع استخراج روش های تربیتی، سیره قولی و عملی امامان معصومی چون امام همام علی بن موسی الرضا؟ است که به اعتبار فرصت تاریخی ویژه ای که برای آن حضرت پدید آمد، می تواند منبع سرشاری برای نظام تربیتی رضوی باشد. براین اساس، نوشتار مذکور چند روش تربیت اعتقادی از سخنان امام رضا؟ برای تعمیق باور به خدا بیان کرده است؛ لکن حقوق و تکالیف کودک را بررسی نکرده است.

در این مقالات هم به جنبه های دیگری از تربیت اعتقادی پرداخته شده، ولی در

مورد موضوع مورد نظر ما بحثی نشده است. با توجه به منابعی که بررسی کردیم بر آن شدم مقاله‌ای تدوین کنم تا علاوه بر اهمیت تربیت اعتقادی به بیان وظایف والدین برای تربیت اعتقادی کودک هم بپردازد و حقوق کودک در این زمینه را هم بررسی کند، چراکه در مقالات دیگر به این موارد به صورت منسجم نپرداخته بودند.

مفهوم‌شناسی

حقوق کودک

گذشته از نگهداری و تأمین معاش کودک، تربیت او نیز بر عهده پدر و مادر و یا کسی است که دادگاه حضانت را به او می‌سپارد. پدر و مادر باید فرزند خویش را آماده زندگی اجتماعی سازند و بر رفتار و معاشرت‌ها و تحصیل او نظارت مستمر داشته باشند و سنن ملی و مذهبی را به او بیاموزند. این وظیفه اخلاقی را به دشواری می‌توان در حقوق تضمین کرد، با وجود این، قانون به ایجاد حق و تکلیف پدر و مادر در این باب بی‌اعتنا نمانده است. (کاتوزیان، ص ۳۸۶)

تکالیف والدین

یکی از سعادت‌های خانواده، داشتن فرزند است و فرزندان به فضای خانه و خانواده، گرمی و نشاط خاصی می‌بخشند. به‌ندرت دیده می‌شود خانواده بی‌فرزند، در مسیر طبیعی خود سیر کند. از این‌رو امام رضا^ع؟ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ، لَمْ يُمِثْهُ حَتَّى يُرِيَهُ الْخَلْفَ»؛ (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۹) هرگاه خداوند، خیر بنده‌ای را بخواهد، او را نمی‌میراند تا این‌که جانشینش (فرزندش) را به او نشان دهد.

هر یک از والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی دارند که باید به آن توجه کرده و به مرحله عمل برسانند.

تربیت

تربیت مصدر باب «تفعیل» از ماده رَبَوَ، به معنای زیاد کردن، رشد دادن یا وسیله رشد را فراهم نمودن است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۵) نیز به معنای پاک گرداندن هم به کار رفته است. (شرتوتی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۸۶) اما تربیت از ریشه رَبَبَ به معنای سوق به‌سوی کمال معنوی است. (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۳۵) در این صورت، تربیت تنها به رشد کمی اختصاص نخواهد یافت، بلکه شامل رشد کیفی نیز خواهد شد. (صانعی، ۱۳۷۵، ص ۱۱)

تعاریف اصطلاحی تربیت نیز عموماً ناظر به تعاریف لغوی شکل گرفته‌اند؛ یعنی روند تکامل و رشد در آن‌ها لحاظ شده است و متأثر از رویکردهای مختلف، متعدد شده‌اند. در بیشتر رویکردهای فلسفی که عمدتاً از سوی فیلسوفان مسلمان از جمله

فارابی و ابن‌سینا ارائه گشته، تربیت به روند بالفعل ساختن استعدادها برای دستیابی به کمالات دنیوی یا اخروی تعریف شده است. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۷۳) در رویکردهای دینی (اسلامی) نیز همین اصل معنایی را می‌توان مشاهده کرد.

ایمان به خدا

واژه ایمان از ریشه «أمن» گرفته شده است که فعل ثلاثی مجرد آن «أَمِنَ، يَأْمَنُ وَأَمْنًا» به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است. فعل ثلاثی مزید آن «أَمِنَ، يَأْمَنُ وَ إِيْمَانًا» است که اگر متعدی به «بَا و لَام» باشد به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است. و به همین معناست آیه «وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا»، (یوسف/۱۷) ای: بمصدق. (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۵) و اما اگر متعدی به ذات خود باشد، به معنای اطمینان پیدا کردن است که در برابر ترسیدن و هراسان کردن است و در این صورت با ثلاثی مجرد هم معنا است. (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۴۲) ایمان اقسامی دارد که یکی از آنها را می‌توان ایمان به خدا نام برد.

معادباوری

واژه «معاد» از ماده «عود»، به معنای رجوع و بازگشت است، چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»؛ (طه/۵۵) از این (زمین) شما را آفریده‌ایم و در آن شما را بازمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم.

واژه «معاد»، اسم زمان و مکان و به معنای زمان و مکان بازگشت است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۱۰۸۶) اعتقاد به معاد، از اصول سه‌گانه دین مقدس اسلام و از ضروری‌ترین مسائل این دین پاک است. صدها آیه از آیات قرآن کریم و هزاران روایت از پیامبر اکرم (صل) و ائمه معصوم (ع) هم وجود معاد و برانگیختن همه انسان‌ها پس از مرگ در یک روز معین اشاره و تأکید می‌کنند؛ روزی که در آن خداوند، نیکوکاران را نعمت و لذتی ابدی می‌بخشد و بدکاران را به سزای کردار و رفتارشان، گرفتار عذابی ابدی می‌کند.

معادباوری نیز به این معناست که انسان در اعماق وجود خود به حیات ابدی ایمان آورده و اعتقاد به معاد را محور زندگی خود قرار دهد. در این رابطه بیشتر انسان‌ها بر اساس فطرت خود، با زبان یا نوع برخورد با مردگان، به وجود این اصل اقرار می‌کنند؛ با این تفاوت که برخی به‌طور قلبی و برخی در عمل، به آن یقین پیدا نکرده‌اند.

تربیت اعتقادی

اعتقاد از ریشه «عقد» و مصدر باب افتعال است. اعتقاد به معنای سخت و شدید

است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۹۹) مشتقات دیگر آن مانند «عقده» نیز در همین معنا به کار می‌روند. به آنچه تصدیق شده و قلباً باور شده نیز اعتقاد گفته می‌شود (مهیار، بی‌تا، ص ۹۴) و به در دل گرفتن، گرویدن، یقین کردن، تصدیق کردن، عقد قلب و دل بر چیزی بستن و بدان ایمان آوردن، همچنین در معنای مشهور به تصدیق جزمی ذهن نیز اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۹۴۲) همچنانکه در تعاریف نیز آمده است، اعتقاد را می‌توان با ایمان مترادف دانست. اعتقادات در تقسیم بندی‌های رایج از اسلام، قسیم اخلاقیات و اعمال عبادی قرار می‌گیرد. اصطلاح «اصول دین» نیز به صورت دقیق، ناظر به بخش اعتقادات دین است. توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد متعلقات اعتقادات در مذهب شیعه است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۷)

بر اساس آنچه گفته شد، تربیت اعتقادی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: فرآیندی که به ایجاد و تعمیق باورهای اعتقادی اسلام یعنی باور به وجود خداوند، پیامبران، امامت و معاد در مخاطبان و شکوفایی و به کمال رساندن آن‌ها می‌انجامد. به عبارت دیگر، مجموعه اقداماتی است که مربی برای شکل‌دهی نظام باورها، اقناع فکری و پذیرش قلبی و التزام درونی در متری انجام می‌دهد. (اعرافی، ۱۳۹۲، ص ۴۹) با توجه به آنچه در معنای تربیت گفته شد، در ارتباط با فرد معصوم، نمی‌توان آن را در روش یا اقدامی خاص منحصر دانست، بلکه تمام زندگی فرد معصوم اعم از گفتار و رفتار می‌تواند الهامبخش روش‌ها و اقدامات تربیتی باشند و همه آن‌ها از این جهت تربیتی به شمار روند.

ضرورت اهتمام به تربیت اعتقادی کودکان

فطرت پاک و الهی کودکان، آنان را به‌سوی خوبی‌ها و نیکی‌ها سوق می‌دهد و خداوند، شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها را به فطرت پاک آن‌ها الهام می‌کند. از این‌رو پدر و مادر باید بکوشند این نورانیت درونی حفظ شود. باید فرزندان دلبندمان را با معاد و زندگی ابدی آشنا کنیم و سرانجام جهان را به آن‌ها یادآور شویم و آنان را در مسیر واقعیت‌های زندگی و هدف‌های والای آن قرار دهیم. پدران و مادران همان‌گونه که مسئول بزرگ کردن فرزندان و تأمین نیازهای معیشتی و زیستی و اجتماعی آن‌ها هستند، مسئولیت تربیت معنوی و فرهنگی آن‌ها را نیز بر عهده دارند. شناسازی کودکان با زندگی ابدی، به‌ویژه صحنه‌های زیبای بهشت و باغ‌ها و چشمه‌سارهای آن، آن‌ها را به دنیای دیگر علاقه‌مند می‌کند. یاد معاد، محرک نیرومندی است که نوجوانان را نه تنها به‌سوی ارزش‌های انسانی هدایت می‌کند، بلکه استعدادهای آن‌ها را برای بهسازی و آبادی زندگی دنیوی و اخروی بیش از پیش به کار می‌اندازد. سیره پیشوایان معصوم؟ عهم؟ برای شناسازی فرزندان با معاد، می‌تواند الگو و راه کاری مناسب برای ما باشد. بنابر روایتی از امام صادق؟ ع؟، لقمان حکیم به فرزند خود گفت: «أَنَا مُنْذُ سَقَطْتُ إِلَى الدُّنْيَا اسْتَدْبَرْتُ وَ اسْتَقْبَلْتُ الْأَجْرَةَ فَدَارَ أَنتَ إِلَيْهَا تَسِيرُ أَقْرَبُ

مِنْ دَارٍ أَنْتَ مِنْهَا مُتَّبَاعِدٌ»؛ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۴۱۸) من از زمانی که چشم به دنیا گشودم، به آن پشت کردم و به آخرت روی آوردم. پس منزلی که تو به سوی آن در حرکت هستی، به تو نزدیکتر از منزلی است که در حال دور شدن از آنی. حضرت علی؟ ع؟ نیز در سفارشی به فرزند بزرگوار خویش، امام حسن؟ ع؟ می‌فرماید: «بَا بُنَى قَصِّرِ الْأَمَلَ وَ ادْكُرِ الْمَوْتَ وَ ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكَ رَهِيْنُ مَوْتٍ وَ غَرَضُ بَلَاءٍ وَ طَرِيحُ سُقْمٍ»؛ (ورام، ۱۳۶۸، ص ۳۷۸) فرزندم! آرزوهایت را کم کن و به یاد مرگ باش و در دنیا زهد و پارسایی پیشه کن، زیرا تو گروگان مرگ و آماج گرفتاری‌ها و زمین‌خورده بیماری‌ها هستی.

نقش الگو در تربیت اعتقاد کودک

نقش الگو در تربیت اعتقادی کودک بسزایی دارد. چون که کودک در چند سال نخست همه کارهایش را از الگوها که در معرض دید او قرار دارند الگوبرداری می‌کند و با تقلید از آن‌ها رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. از این رو شیوه الگویی در سامان دادن اعتقاد و رفتار و شخصیت کودک به شدت نقش ایفا می‌کند. چنان‌که در حدیثی از امام کاظم؟ ع؟ آمده است: «بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَ احْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّكُمْ تَرِزُقُونَهُمْ»؛ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۱، ص ۷۷) به فرزندان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید، زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید. همچنین تأثیر شخصیت الگوها در شکل‌گیری اعتقاد و رفتار کودک و تثبیت شخصیت اخلاقی و اجتماعی آنان فوق‌العاده نقش دارد، چراکه در این روش، یادگیری به‌طور غیرمستقیم و از طریق مشاهده انجام می‌گیرد که از مؤثرترین انواع یادگیری‌ها محسوب می‌شود. انسان‌ها از عوامل حسی بیشتر متأثر می‌شود تا از عوامل غیرحسی و معنوی. الگو نیز یک امر حسی و نمونه عینی است که الگوپذیر می‌تواند آن را ببیند و رفتارش را مشاهده نماید.

همچنین الگو می‌تواند اعتقاد و اندیشه فرد را دگرگون سازد و او را به سمت هدایت کند که سعادت دنیا و آخرت در آن باشد هم به سمتی سوق دهد که جز بدبختی چیزی دیگر در آن نباشد؛ چنان‌که پیامبر اسلام؟ صل؟ می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى ابْوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ»؛ (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۵)؛ هر انسانی بر فطرت پاک و خداجوی خلق می‌شود، مگر آن‌که پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی بار آوردند.

به همین خاطر در روایات سفارش شده که فرزند خود را به کسانی که عقاید فاسد دارند و مشکلات دیگر دارند واگذار نکنند چراکه اعتقادات و خصلت‌های بد آن‌ها بر کودک اثر می‌گذارد و او را هم فاسد خواهد کرد.

در روایات دیگر است که فرزند خود را به دایه احمق تحویل ندهید، چراکه او زمینه را برای پرورش اعتقادات و صفات خوب مهیا نمی‌کند.

پیامبر خدا؟ صل؟ فرمود: «تَوَقَّوْا عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبَنَ الْبَغْيِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْمَجْنُونَةِ؛ فَإِنَّ

اللَّبَنَ يَعِدِي»؛ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳، ح ۹) کودکان خود را از زنان بدکار و دیوانه، دور نگه دارید، زیرا شیر (تربیت) آن‌ها (ویژگی‌های دایه را) سرایت می‌دهد.

بنابراین الگو و اسوه در تربیت اعتقادی کودک نقش حساسی را دارد. به طوری که رفتارشان در معرض دید کودک قرار می‌گیرد و کودک همیشه این رفتار را در ذهن خودش دارد و تحت تأثیر این رفتارهای او قرار می‌گیرد.

آموختن ایمان به خدا به مثابه حقوق کودک

کودک پیش از آن‌که عقلش به فعلیت برسد و قادر به درک مطالب علمی گردد، فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی در ضمیر او فعلیت دارد و برای پذیرش تربیت آماده است، از این رو لازم است پدر و مادر به ارزش این فرصت مهم، متوجه باشند و از بیداری فطرت ایمانی و احساسات کودک، حداکثر استفاده را بنمایند و در روان وی، ایمان به خدا و سجایای اخلاقی را پرورش دهند تا قبل از آن‌که عقلش به خوبی شکفته شود و در راه تحصیل علم و درک حقایق عقلانی قدم بردارد، طفلی پاک‌نهاد و بالایمان، خوش‌اخلاق و مورد اعتماد، بار آمده باشد: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم/۴) از این سخنان فهمیده می‌شود که اولین اصل در راه تعلیم و تربیت این است که والدین با زبان ساده، به او بیاموزند، ایمان به خدا است؛ و خدا را با زبان خود کودک برایش تصور کند، مثلاً بگوید آن کس که ما را آفریده، آن که به ما رزق و روزی می‌دهد، آن که گل و گیاه، پرند و حیوان را خلق کرده، آن که روز و شب را به وجود آورده و...، خداست؛ او همیشه و در تمام لحظات ناظر اعمال ما است، خوبی‌های ما را پادش می‌دهد و در بدی‌ها ما را مجازات می‌نماید.

این‌گونه سخن گفتن با کودک، برایش بهتر قابل قبول است و در نتیجه در مدت کوتاهی به خدا دل می‌بندد و به او معتقد می‌شود حال می‌توان خیلی زود کودک را به سفارشات که خداوند در قرآن داده است، آشنا کرد و تمام سجایای اخلاقی را به تدریج در وی پرورش داد.

تکالیف والدین در آموزش ایمان به خدا

الف) تأکید بر بدهت وجود خدا و تکرار آن با شیوه‌های جذاب و نوآورانه

یکی از آموزه‌های دقیق اسلامی درباره خداوند متعال، بدهی یا فطری بودن درک وجود حق تعالی است. امام رضا؟ ع؟ فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُلْهِمِ عِبَادَهُ الْحَمْدَ وَ فَاطِرِهِمْ عَلَىٰ مَعْرِفَةِ رَبُّوبِيَّتِهِ الدَّالَّ عَلَىٰ وُجُودِهِ بِخَلْقِهِ»؛ (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۵۶) خداوند بندگان را با شناخت فطری ربوبیت خود عجین ساخت و مخلوقاتش را نشان‌دهنده وجودش قرار داد.

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات، گرایش به وجود خداوند و خدایاوری در

فطرت انسان‌ها نهفته است. (ابراهیم/۱۰) اگرچه امور فطری بدیهی به شمار می‌روند، اما از اقسام بدیهیات ثانویه هستند و نیازمند آنند تا به وسیله بدیهیات اولیه به آن‌ها توجه شود و از آن‌ها غفلت‌زدایی گردد. آن‌گونه که از سخن امام رضا؟ع؟ برداشت می‌شود، این است که برطرف کردن غفلت‌ها، زمینه پذیرش وجود خداوند و تعمیق آن را فراهم می‌کند.

همچنین روش دیگری است که به نوعی مکمل روش قبل است، روش تکرار یک مطلب می‌باشد به طوری که هنگام سخن گفتن از موجودات به گونه‌ای سخن بگویم که بیشتر به ارتباط آن‌ها از وجود خداوند حکایت کند.

ب) ایجاد انس و احساس محبت به خداوند

روش دیگر ایجاد انس و محبت به خداوند است. کاربرد اصلی این روش برای خداپورانی است که با شک و تردیدهایی که در رابطه با وجود خداوند روبه‌رو شده‌اند. اما اکسیر محبت این ویژگی را دارد که درباره برخی و حتی کودکان، باور به وجود خداوند را ایجاد کند. درباره این افراد، نتیجه معمول آن، ایجاد زمینه اقرار به وجود خداوند و در مرتبه بعد، باور به وجود خداوند است. از سخنان ائمه؟عهم؟ می‌توان شیوه‌هایی را در این زمینه استخراج کرد. یکی از آن‌ها، بیان رابطه محبت‌آمیز خداوند با انسان‌هاست. حضرت به نقل از پیامبر اکرم؟صل؟ در روایتی فرمودند: «إِنَّ أَدَمَ أَمَّا تُنْصِفُنِي أَتَحَبُّ إِلَيْكَ بِالْإِعْمَ وَتَنْمُقْتُ إِلَيَّ بِالْمَعَاصِي خَيْرِي إِلَيْكَ مُنْزَلٌ وَشَرُّكَ إِلَيَّ صَاعِدٌ وَ لَا يَزَالُ مَلِكٌ كَرِيمٌ يَأْتِينِي عَنْكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَا وَ أَلَيْلَةٍ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ...»؛ (علی بن موسی الرضا، ۱۴۰۶، ص ۴۰ _ ۴۱) ای فرزند آدم! تو با من به انصاف رفتار نکردی، من با ارزانی داشتن نعمت بر تو، با تو دوستی کردم و تو با نافرمانی و ارتکاب معصیت با من دشمنی می‌کنی. خوبی‌های من به‌سوی تو سرازیر شد و شر و بدی‌های تو، همواره به‌سوی من بالا آمد. پی‌درپی در هر روز و شب، فرشته‌ای صدور عمل قبیحی را از تو به من گزارش می‌دهد.... در این روایت که حدیث قدسی است، خداوند متعال خطاب به انسان فرموده و محبت زیاد و خیرخواهی خود نسبت به او را بیان داشته است، درحالی که انسان‌ها، نسبت به خداوند، چنین نیستند.

ج) عقل‌گرایی

عقل‌گرایی روش دیگری است که از آن، برای ایجاد اعتقاد به خداوند متعال بهره گرفته می‌شود. مراد از عقل‌گرایی به‌عنوان یک روش، خردمندانه جلوه دادن باور به وجود خداوند است. ایشان ضمن حدیثی مفصل در توصیف باری تعالی فرمودند: «و بِالْعُقُولِ يَعْتَقِدُ النَّصْدِيقُ بِاللَّهِ»؛ (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۸) به وسیله عقل می‌توان وجود خداوند متعال را تصدیق نمود. در این باره باید توجه داشت که عقل‌گرایی خود دارای مراتب و درجات مختلف است و البته مصادیق متعددی نیز دارد. آنچه در این

روایت به آن تصریح شده، تصدیق به خداوند است. بنابراین عقلانی بودن در موضوع اعتقاد به وجود خداوند متعال، به معنای عقل‌پذیری این اعتقاد است؛ پس، اصل اعتقاد به وجود خداوند، نه عقل‌ستیز است و نه عقل‌گریز، بلکه عقل است که حکم قطعی صادر می‌کند. با نگاهی به روایات متعدد نقل شده از حضرت رضا(ع)؟ می‌توان دریافت که ایشان، در موضوع وجود خداوند و صفات باری تعالی، به همین شیوه عمل کرده‌اند؛ یعنی سخنان خود را به گونه‌ای مطرح کرده‌اند که مخاطب دلیل درستی آن را درک کند؛ حتی برای کسانی که امامت ایشان را قبول داشتند و سخنان حضرت را با برهان و توضیحات عقلانی همراه کرده‌اند.

د) علم‌آموزی

روش دیگری که می‌توان دربارهٔ باور به وجود خداوند به دست آورد، تأکید بر دانش‌اندوزی و توجه به علم است. در این باره، از گذشته دیدگاه‌های دیگری نیز مطرح بوده است؛ از جمله این ذهنیت که اگر علم و دانش رشد کند و همه‌گیر شود، دین‌داری و خداپرستی از میان خواهد رفت؛ (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵) اما بر اساس آموزه‌های اولیای دین از جمله امام رضا(ع)؟، رابطهٔ علم و دین (وجود خداوند) برخلاف ذهنیت یاد شده است؛ یعنی هر چه علم گسترش بیشتری پیدا کند و تکامل یابد، توجه به دین و از جمله اقرار و اعتقاد به وجود خداوند بیشتر می‌شود. امام رضا(ع)؟، در فرازی از روایتی مفصل، دربارهٔ فضیلت علم می‌فرمایند: «بِهَ يَطَاغُ الرَّبُّ وَ يَعْبُدُ» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۷) به وسیلهٔ علم، از خداوند اطاعت و پرستش می‌شود؛ به عبارت دیگر، اگر علم واقعی گسترش یابد، همه به وجود خدا اذعان خواهند کرد و او را اطاعت می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان به این مهم دست یافت که انکار وجود خداوند بیشتر به سبب دوری از علم واقعی و گرفتاری در مغالطه‌ها و اقسام جهل، به‌ویژه جهل بسیط است.

ی) تفهیم غیرمستقیم

تفهیم غیرمستقیم یکی دیگر از روش‌هایی است که دربارهٔ تربیت اعتقادی استفاده می‌شود. تجربه فردی هر مربی، به‌ویژه در ارتباط با کودکان نشان داده است که در بسیاری موارد، بیان غیرمستقیم یک مطلب، تأثیر بیشتری در پذیرش آن دارد.

آموختن معادباوری به مثابه حقوق کودک

در تربیت دینی اهتمام اولیه بر پرورش بنیادهای فکری و اعتقادی کودک است به طوری که به تعالیم مذهب معتقد شود و زندگی خود را بر اساس آن شکل دهد و در همه حال در برابر آفریدگار جهان خاضع، تسلیم و فرمان‌بردار باشد. رسیدن به این هدف با پایه‌ریزی مبانی اعتقادی قوی برای کودک ممکن است و این مسئولیت بزرگ در ابتدا متوجه والدین است. آموزش مبانی اعتقادی به‌طور صحیح می‌تواند کودک را در

بزرگسالی از انحراف و لغزش‌های فکری حفظ کند؛ از این‌رو هرگز در برابر ایجاد شبهات و ایرادات افراد مغرض و بدخواه دچار گمراهی و لغزش نمی‌شود، بلکه با زمینه‌ایمانی و اعتقادی قوی در عمل نیز فردی دین‌مدار و خدامحور خواهد بود.

تکالیف والدین در آموزش معادباوری

وظیفه والدین همانا ایجاد ایمان و القای حقایق به فرزندان است. پدر یا مادر می‌توانند در خانواده مرتباً این را در عمل به فرزندان خود بیاموزند و بگویند: فرزندم! خداوند این کار تو را در روز قیامت به تو نشان خواهد داد. یعنی این عمل تو در قیامت حضور پیدا می‌کند. به فرزندان خود بگوییم که ما در این دنیا برای یک دوران موقت آمدیم و بعد از آن به‌سوی خدا برمی‌گردیم. با همین بیانات ساده، خود را مقید به آخرت نشان بدهیم. وقتی پدر یا مادر بگویند که فرزندم من از عذاب خدا می‌ترسم، برای همین کارهای خوبی انجام می‌دهم تا آخرتم آباد شود. همین بیان حقیقت برای فرزندان است که مسئله معاد در دل آن‌ها تثبیت شود.

پس طبق دستور قرآن، در مورد مسئله معاد باید به فرزندان خود سه نکته را بیاموزیم:

اولاً بازگشت همه ما به‌سوی خدا است.

دوم این‌که خداوند در روز قیامت به ما خبر می‌دهد که در دنیا چه کارهایی انجام دادیم.

سوم این‌که حتی کوچک‌ترین اعمال ما هم مورد محاسبه قرار می‌گیرد. اگر عمل ما در دل صخره‌ای یا زیر سنگی باشد یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها و یا در مرکز زمین باشد، «يَا أَيُّهَا اللَّهُ»؛ (لقمان/۱۶) خدا آن را خواهد آورد؛ یعنی به فرض حتی اگر کسی به سفر فضایی رفت و در آنجا عملی از او سر زد، ذکری گفت یا حرفی زد، این عمل در پرونده او ثبت می‌شود و خداوند در روز قیامت این عمل را ظاهر می‌کند و مورد حساب و کتاب قرار می‌دهد. این نکته بسیار جالبی است و می‌توانیم آن را به فرزندان خود نیز بیاموزیم که عمل ما در قیامت حضور پیدا می‌کند.

همچنین به فرزندان خود بیاموزیم که خدا حتی نیت‌های شما را نیز می‌خواند و اگر در دنیا، بر اساس نیتی عملی انجام داده باشید، حتی یک عمل کوچک، در روز قیامت همان عمل کوچک حاضر می‌شود و وزنی خواهد داشت. این بر سرنوشت ابدی شما تأثیرگذار است.

همانطور که پدر و مادرها مدام به بچه‌ها یادآوری می‌کنند که درس بخوانید، زیرا آینده شما در گرو درس خواندن است. هرچند ممکن است آینده او ۱۰ یا ۲۰ سال دیگر باشد. اما نگران هستند و مدام تذکر می‌دهند و احساس خود را به بچه‌ها نشان می‌دهند؛ حال بیاورید همین احساس را راجع به معاد نشان دهید، بگویید آینده شما در گرو این است که گناه نکنید، آینده شما در گرو این است که نماز بخوانید. شما باید برای آخرت خود ذخیره‌ای بیندازید. ما موظفیم که این حس را در فرزندان برای سعادت ابدی‌شان

ایجاد کنیم.

نتیجه‌گیری

الگو در تربیت اعتقادی کودک نقش بی‌بدیلی دارد و در سامان دادن اعتقاد و رفتار و شخصیت کودک به‌شدت اثرگذار است؛ به طوری که رفتار او در معرض دید کودک قرار می‌گیرد و کودک همیشه این رفتار را در ذهن خود دارد و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد.

اولین اصلی که والدین موظف هستند با زبان ساده به کودک بیاموزند ایمان به خداست، از خدا سخن گفتن و نعمت‌هایی که خداوند به انسان داده است را برای فرزند یادآور شدن، باعث می‌شود که کودک در مدت کوتاهی به خدا دل ببندد. این مهم را می‌توان به گونه‌های زیر انجام داد:

تأکید بر بدها و وجود خداوند و تکرار آن با شیوه‌های خاص و نوآور؛

ایجاد انس و احساس محبت به خداوند؛

عقل‌گرایی، به گونه‌ای جلوه دادن باور به خداوند از نظر عقلی؛

علم‌آموزی، رابطه علم و دین؛

تفهیم غیرمستقیم به کودک.

همچنین آموزش معادباوری به مثابه یکی از حقوق کودک بوده و وظیفه والدین ایجاد ایمان و القای حقایق به فرزندان است.

در این تحقیق سعی شد به این موارد پرداخته شود تا از همان کودکی ریشه ایمان به خدا و معاد باوری در دل کودک مانند بذری پاشیده شود و بدین وسیله سجایای اخلاقی در کودک پرورش داده شود و او را برای مواجه شدن با سوالاتی که در ذهنش جرقه می‌زند آماده کند. امید است که به این مهم رسیده باشیم.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی، (۱۳۸۵)، قم، الهادی، چاپ اول.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، تصحیح هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
 ۲. ابن زکریا، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام اسلامی.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارالصادر.
 ۴. اعرافی، علیرضا، سید نقی موسوی، (۱۳۹۲)، «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»، *کاوش های نو در فقه اسلامی*، قم، شماره ۲، سال ۲۰، ۱۳۹۲.
 ۵. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۳ق)، قم، مؤسسه سید الشهداء؟ع؟.
 ۶. خمینی، روح الله، (۱۳۸۵)، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 ۸. رزمجو، حسین، (۱۳۵۳)، *مجموعه مقالات انسان صالح در تربیت اسلامی*، تهران، شرکت سهامی انتشار..
 ۹. شرتوتی، سعید، (۱۴۰۳ق)، *اقرب الموارد*، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
 ۱۰. صانعی، مهدی، (۱۳۷۵)، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
 ۱۱. طبرسی، رضی الدین، (بی تا)، *مکارم الاخلاق*، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی.
 ۱۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم، دار الثقافة.
 ۱۳. علی بن موسی الرضا، (۱۴۰۶ق)، *صحیفة الامام الرضا؟ع؟*، تصحیح محمدمهدی نجف، مشهد، کنگره جهانی امام رضا؟ع؟.
 ۱۴. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۰۳ق)، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
 ۱۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی — خانواده*، تهران، انتشارات میزان.
 ۱۶. گروه نویسندگان، (۱۳۸۴)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
 ۱۷. مجلسی، محمداقبر، (۱۳۶۸)، *بحار الانوار*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
 ۱۸. مصطفوی، حسن، (۱۴۲۶ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 ۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، صدرا.
 ۲۰. مظاهری، حسین، (۱۳۶۴)، *خانواده در اسلام*، قم، انتشارات شفق.
 ۲۱. مهیار، رضا، (بی تا)، *فرهنگ ابجدی*، بی تا.
 ۲۲. ورام، زاهد ابی حسین، (۱۳۶۸ش)، *مجموعه ورام*، تهران، دارالکتب اسلامی.